**نگاهی به مبارزات و ابتکارات ارزنده و آموزنده دانشجویان به مناسبت 16 آذر 1396!**

 **بهرام رحمانی**

**bahram.rehmani@gmail.com**

**تاریخ مبارزه و تجربه جنبش دانشجویی ایران، بیش از شصت سال است. این تاریخ درخشان، نشان می‌دهد که فعالان این جنبش، علاوه بر فعالیت‌های صنفی، عمدتا در عرصه مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز فعال بوده است.**

****

**بخشی از جنبش دانشجویی به نام «دانشجویان آزادی‌خواه و برابری‌طلب» که خود را چپ رادیکال می‌نامند نقش مهمی در ارتباط‌ گیری این جنبش با جنبش کارگری و جنبش زنان دارند. آن‌ها علاوه بر جنبش دانشجویی، هشت مارس روز جهانی زن و اول ماه می روز جهانی کارگر را نیز در دانشگاه‌های گرامی می‌دارند. اکنون پس از چند سال رکود در جنبش دانشجویی، این دانشجویان و همه دانشجویان چپ، سوسیالیست، آنارشیست و کمونیست توانسته‌اند بار دیگر با شعارها طبقاتی عدالت‌جویانه و برابری‌طلبانه علیه حاکمیت و سرمایه‌داری، روز خود را درد دانشگاه‌های مختلف کشور با برگزاری تریبون آزاد، تجمع و تئاتر و غیره گرامی بدارند. فعالین جنبش دانشجویی با برخی فعالین جنبش زنان و جنبش کارگری از جمله سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حکومه ارتباط برقرار کنند. تعدادی از آن‌ها در تظاهرات‌های شرکت واحد برای آزادی رضا شهابی از زندان و سایر زندانیان سیاسی، حضور فعالی داشتند.**

**در بیانیه 32 تشل شورای صنفی دانشجویی آمده است:**

**«شانزدهم آذر - روز دانشجو- نماد مبارزه‌ی دانشجویان پیشرو در راه عدالت و آزادی است. برای سال‌ها، این روز در قالب ِ برنامه‌های کم‌مایه‌ی چند تشکل سیاسیِ رسمی برای ایجاد شور و هیجانِ زودگذر و بیان شعارهای جناح‌های سیاسی مسخ شده بود. اما اکنون سه سال است که دانشجویان مستقل و فعالان صنفی عزم کرده‌اند تا معنا و تصویری دیگر به این روز بدهند. پیام آن‌ها یک چیز بوده است: «دست زورمندان اقتصادی و سیاسی باید از دانشگاه کوتاه شود» چنان‌که از دیگر قلمروهای حیات انسانی. این فریاد نه از شور و احساسی زودگذر، بلکه از درد و دغدغه‌های هرروزه‌ی دانشجویان برآمده، و علاوه بر آن، متکی بر تحلیلی مشخص از شرایط جامعه و دانشگاه بوده است.»‌(\*متن کامل این بیانیه را در ضمیمه بخوانید)**

**روز چهارشنبه 15 آذر برای سومین روز تجمعاتی به مناسبت روز دانشجو در چند دانشگاه در اعتراض به روند کالایی‌سازی آموزش، تبعیض جنسیتی، و امنیتی کردن فضای دانشگاه برگزار شد. چند تن از فرماندهان سابق و فعلی سپاه و سیاستمداران اصول‌گرا در مراسم تشکل‌های وابسته به حکومت به تشریح اوضاع و موقعیت بین‌المللی جمهوری اسلامی پرداختند و سخنرانی مسعود پزشکیان نماینده اصلاح‌طلب مجلس تحت‌الشعاع جدل لفظی او با دانشجویان بر سر این مساله قرار گرفت که مجلس بی‌کفایت است، یا انتخاب‌کنندگان نمایندگان مجلس.**

**عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور، آماری مبنی بر افزایش فعالیت تشکل‌های دانشجویی در دولت روحانی ارایه داد و مدعی شد «دولت به هیچ وجه بدنبال امنیتی کردن فضای دانشگاه‌ها نبوده و نیست و سیاست وزارت کشور برگزاری تمامی مراسم‌های دانشجویی مجوزدار به صورت قانونی است و از آن هم حمایت کرده و می‌کند.»**

**در حالی که پیش از برگزاری تجمعات دانشجویی به مناسبت روز دانشجو، گزارشی درباره محدودیت‌هایی منتشر شده بود.**

**وزیر کشور در باره صدور مجوز فعالیت‌ها گفت: «مجوز برای سخنرانی در این مراسم‌ها توسط شورای فرهنگی دانشگاه صادر می‌شود که مورد تایید وزارت کشور است.»**

**دانشجویانی که سه روز مانده به شانزدهم آذر 1396، به یاد روز دانشجو در دانشگاه علامه طباطبایی تجمع کردند، در جای جای سخنانشان خود را «صدای تاریخ» خواندند و بیان‌كننده «کلمات سرکوب‌شده تاریخ.» گفتند صدای مادرهای گورهای بی‌نام‌ هستند و بلوچ‌های آواره. آنان سخنانشان را چنین به پایان بردند: «ما دانا نیستیم؛ چیزهای ساده می‌گوییم: این‌که می‌ارزد انسان زندگی کند و بمیرد بخاطر برابری و صلح.»**

**بنا به گزارشات، دانشجویان دانشگاه ارومیه در مراسم روز دانشجو این شعارها را در دست داشتند:**

**نه به تبعیض جنسیتی**

**نه به دانشگاه امنیتی و شورای نظارت فضای مجازی**

**نه به پولی‌سازی آموزش**

**در مراسم ویژه روز دانشجو در دانشگاه مدنی آذربایجان نیز بیانیه شوراهای صنفی دانشجویان قرائت شد.**

**«ما دانشجویان فعال دانشگاه ارومیه به عنوان قطره‌ای از موج جدید اعتراضات دادخواهانه دانشجویی این روز را روز اتحاد بین دانشجو و کارگر می‌دانیم.**

**و دراین شرایط دانشگاه را نهادى سرمایه‌محور برای بار آوردن نیروی کار ارزان و جهت‌دهى ایدئولوژیک دانشجویان می‌دانیم و پیگیرانه برای احقاق حقوق‌مان متحد با کارگران و مبارزان واقعی در راه برابری و آزادی مبارزه خواهیم کرد.»**

****

**دانشجویان دانشگاه زنجان به مناسبت روز دانشجو یک نمایشگاه عکس حاوی عکس‌هایی از تظاهرات‌های اعتراضی سال 1388 قرار برگزار کردند. بنری با این نوشته نیز بر دیوار نصب شده بود: جای دانشجو زندان نیست/ دانشگاه پادگان نیست.**

**روز سه‌شنبه ۱۴ آذر، در تعدادی از دانشگاه‌ها از جمله شهید بهشتی، صنعتی شریف، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، علامه طباطبایی و نیشابور ادامه یافت.**

**به‌گزارش رسانه‌ها، اعتراض‌های دانشجویی که از روز دوشنبه با تجمع و سردادن شعارهایی در دانشگاه‌های تهران، خوارزمی، شهید بهشتی و علامه طباطبایی آغاز شده بود، روز سه‌شنبه در تعداد دیگری از دانشگاه‌ها از جمله نیشابور و صنعتی شریف تهران ادامه یافت.**

**این دانشجویان به برخوردهای امنیتی با دانشجویان معترض، اعمال تبعیض‌های جنسیتی، سطح کیفی آموزش، خصوصی‌سازی آموزش عالی و فضاهای دانشگاهی، سیاست‌های اقتصادی دولت و پایین بودن کیفیت خوابگاه‌ها معترضند‎.**

**دانشجویان دانشگاه دولتی قم روز سه‌شنبه در اعتراض به تفکیک جنسیتی مراسم «روز دانشجو» در این دانشگاه، ضمن سر دادن شعارهایی سخنرانی حمید حاجی بابایی، نماینده اصول‌گرای مجلس، را ترک کردند.**

**روز دوشنبه نیز گروه‌هایی از دانشجویان در چند دانشگاه در تهران به مناسبت روز دانشجو، 16 آذر، در اعتراض به «پولی‌شدن دانشگاه‌ها و کالایی‌سازی حیات اجتماعی» تجمع کردند.**

**بر اساس گزارش‌ها، دانشجویان با شعارهای «تدبیر این وزارت علم است یا تجارت»، «با سنوات و وام‌ها، شدیم برده بانک‌ها» و «دانشجو آگاه است، با کارگر همراه است»، «تدبیر دولت‌مردان، ستم علیه زنان»، «مسکن و کار و درمان، آموزش رایگان، خواسته زحمت‌کشان» و «با تهدید، با احضار، ساکت نمی‌شیم این‌بار» اعتراض خود را به «وضعیت موجود» اعلام کردند.**

**دانشجویان دانشگاه هنر اسلامی تبریز نیر در چارجوب اعتراضات صنفی دست به تجمع در محل این دانشگاه زدند. دانشجویان دانشگاه هنر اسلامی تبریز با چیدن ظروف غذای سلف و نشستن در محوطه‌ی دانشگاه پیگیر مطالبات دانشجویی خود شدند. دانشجویان معترض خواستار لغو آموزش پولی و فضای امنیتی دانشگاهی شدند. آن‌ها هم‌چنین در اعتراض به طرح موسوم به کارورزی بیانیه خود را قرائت نموند.**

**چند دانشجوی دانشگاه تهران در گفتگو با خبرگزاری دانشجویان ایران(ایسنا) از وضعیت دانشجویان و دانشگاه‌ها گفتند. همه مصاحبه‌شوندگان بر بی‌افقی دانشجویان پس از پایان تحصیلات تاکید کردند.**

**یک دانشجوی دانشکده فنی از افت روحیه مطالبه‌گری دانشجویان گفت که به اعتقاد او از تجربه‌های منفی گذشته و اعمال فشارهای بیرونی ناشی می شود. فضای دانشگاه‌ها به گونه‌ای شده است که دانشجویان می‌دانند نقش خاصی در تصمیم‌گیری‌ها ندارند. بنابراین وجود تریبون‌های آزاد یا کرسی‌های آزاد اندیشی نمی‌توانند این روحیه دانشجویان را تقویت کنند.**

**این دانشجو گفت بیش از 70 درصد هم کلاسی‌های من به مهاجرت بعد از فارغ التحصیلی می‌اندیشند:**

**«امروز به جرات می‌توانم بگویم که از هر ۵ نفر دانشجو ۱ نفر مطالبه گری می‌کند.»**

**به‌گفته یک دانشجوی حقوق دانشگاه تهران آینده مبهم شغلی مهمترین دغدغه دانشجویان است و دانشجویان هرچه به ترم‌های بالاتر میرسند افسرده‌تر به نظر می‌رسند.**

**یک دانشجوی رشته مکانیک در گفت و گو با ایسنا بر خصوصی سازی و پولی شدن دانشگاه‌ها انگشت گذاشته است. دانشجویان ناگزیرند برای استفاده از آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها نیز هزینه پرداخت کنند. هزینه سنوات و واگذاری سلف‌سرویس دانشگاه به بخش خصوصی مزید بر علت است. این هزینه‌ها سبب شده است طبقات محروم از آموزش عالی بی‌نصیب بمانند.**

**سخن‌رانی روز چهارشنبه مسعود پزشکیان نماینده اصلاح‌طلب مجلس در دانشگاه بهشتی با حاشیه‌های زیادی همراه شد. دانشجویان منتقد به عملکرد اصلاح‌طلبان شعار دادند: مجلس بی‌کفایت نمی‌خواهیم. پزشکیان پاسخ داد مجلس را مردم انتخاب کرده‌اند. پس انتخاب‌کنندگان بی‌کفایتند، نه منتخبان.**

**دانشجویان سخنران را هو کردند. فیلمی از جدل لفظی دانشجویان و پزشکیان در فضای مجازی منتشر شده است.**

**در دانشگاه آزاد زاهدان سالنی که قرار بود محسن قدیری ابیانه سفیر ایران در مکزیک در دولت احمدی‌نژاد و عضو ستاد انتخاباتی ابراهیم رئیسی در آن سخنرانی کند خالی ماند.**

**فرهاد رهبر رییس دانشگاه آزاد به مناسبت روز دانشجو در تهران سخنرانی کرد. او ادعا کرد که از مدت‌ها پیش خواستار حذف کنکور است. اما «افراد ذی‌نفعی» هستند که مانع حذف کنکور می‌شوند.**

**به‌گفته رییس دانشگاه آزاد، «یک لولا میان نظام پرورشی و نظام آموزش عالی وجود دارد که بر این اساس هشت هزار میلیارد تومان گردش مالی آن است، یعنی کلاس‌های کنکور، برگزاری آزمون و مسائل این‌چنینی دارای 8 هزار میلیارد تومان گردش مالی است که افرادی اجازه نمی‌دهند کنکور حذف شود.**

****

**حسن عباسی که از او به‌عنوان استراتژیست جریانات اصول‌گرا یاد می‌شود و خود مدعی است «کیسینجر اسلام» است، نیز از تریبون بسیج دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی به سخنرانی کرد.**

**او «اقتدار» بین‌المللی حکومت اسلامی را نشانه تحقق «تمدن نوین اسلامی» مورد نظر خامنه‌ای خواند. عباسی در اشاره به نقش سپاه پاسداران در سوریه گفت: «چه کسی فکر می‌کرد روزی ژنرال‌های روسی در زیر دست فرماندهان سپاه در سوریه با آمریکا و داعش بجنگند. استادان دانشگاه از گفتن این حقیقت وحشت دارند.»**

**اما مهم‌ترین تحولات دانشجویی به سال‌های بعد از تاسیس دانشگاه تهران برمی‌گردد. دانشگاه تهران با هدف مدرنیزه کردن کشور در 24 اسفند 1313، دوره حاکمیت رضا شاه افتتاح شد. هفت سال نخست تاسیس دانشگاه تهران در دوره یکه‌سالاری و استبداد رضاخانی بود که فعالیت‌های کنترل‌نشده را برنمی‌‌تافت. در نتیجه، بیش‌تر اعتراض‌های دانشجویی در رابطه با مسائل مربوط به بهبود وضعیت تحصیلی و زندگی آنان بود. دانشجویان در نبود فضایی آزاد در دانشگاه، فعالیت‌های اجتماعی‌شان را در خارج از دانشگاه انجام می‌دادند. در این‌جا می‌توان به گروه «53 نفر» روشنفکران مارکسیست اشاره کرد که در 1316 دستگیر شدند. 48 تن از آنان یک سال بعد محاکمه شدند که 13 نفرشان دانشجو بودند و بیش‌تر آنان به حبس‌های دو تا ده سال محکوم شدند.**

**با قدرت‌گیری محمد مصدق در سال 1330، به‌عنوان نخست وزیر بار دیگر دانشجویانی که خواستار برقراری عدالت اجتماعی بودند فعال شدند. سرنگونی مصدق پس از کودتای 28 مرداد 1332 خشم دانشجویان را به دنبال داشت که اوج آن به واقعه 16 آذر انجامید.**

**در روز 16 آذر، نیروهای نظامی به بهانه آن‌که یک دانشجو به آن‌ها توهین کرده وارد دانشکده فنی شدند‌ و استادان را مجبور به تعطیل کلاس‌ها و جمع کردن دانشجویان در سرسرای دانشکده کردند. پس از اولین شعار دانشجویی علیه کودتا و به نفع مصدق سربازان آتش گشودند که در نتیجه آن، مصطفی بزرگ‌نیا بلافاصله کشته شد. دو دانشجوی دیگر مهدی شریعت رضوی و احمد قندچی در راه بیمارستان درگذشتند. چندین دانشجو دستگیر و به زندان برده و شکنجه شدند تا اینکه اعتصاب‌های وسیع دانشجویی دولت را مجبور به آزادی آن‌ها کرد. چند روز بعد نیکسون دکترای افتخاری در دانشگاه تهران گرفت؛ جایی که سه دانشجو کشته شده بودند. این خاطره جمعی از ۱۶ آذر نزدیک به شش دهه در اذهان باقی ماند. 16 آذر پس از انقلاب بهمن بود که به‌طور رسمی «روز دانشجو» نام گرفت.**

**بلافاصله پس از انقلاب بهمن 1357، فضای سیاسی باز بود و  دانشجویان که نقش مهمی در انقلاب ایفا کرده بودند می‌خواستند هر چه زودتر به دانشگاه برگردند و اهداف و آرزوی‌های انقلابی خودشان را پیاده کنند. گروه‌های مختلفی به طرفداری از این یا آن گروه سیاسی در دانشگاه‌ها پا گرفتند. اما خمینی و طرفدارانش به زودی دریافتند که کم نیستند دانشجویان و سازمان‌های دانشجویی که با اسلامی شدن جامعه مخالف بودند.**

****

**عبدالکریم سروش، حسن حبیبی و علی شریعتمداری (از راست به چپ) از اعضای ستاد انقلاب فرهنگی**

**خمینی در نطق نوروزی 1359 گفت که انقلاب باید به دانشگاه‌ها هم برسد. شعار یک دانشجو در میانه نطق هاشمی رفسنجانی در دانشگاه تبریز را بهانه حمله به دانشگاهها کردند. ریيس جمهور بنی‌صدر سه روز مهلت داد که دانشجویان فعالیت‌هایشان را متوقف کنند. اما پیش از پایان اولتیماتوم به دانشجویان حمله شد، 37 نفر کشته و صدها نفر زخمی و دستگیر شدند.**

**خمینی در تابستان 1359، دستور انقلاب فرهنگی را صادر کرد. دانشگاهها سه سال تعطیل شدند. ستاد انقلاب فرهنگی مامور اسلامی کردن دانشگاه‌ها و از بین بردن فاصله بین دو نظام آموزشی حوزوی و دانشگاهی شد. کمیته‌های پاک‌سازی مامور اخراج دانشجویان و اساتید و دیگر کارکنان مخالف و منتقد شدند. بیش از 57 هزار دانشجو از نزدیک به 174 هزار دانشجو اخراج شدند. تعداد بالا، اما ناشناخته‌ای از دانش‌آموزان هیچ‌گاه اجازه تحصیلات عالی را نیافتند. هم‌چنین به گفته عبدالکریم سروش، عضو سابق ستاد انقلاب فرهنگی، دست‌کم 700 استاد دانشگاه از مجموع 12 هزار استاد اخراج شدند.**

**با پایان جنگ ایران و عراق، رییس جمهور وقت، اکبر هاشمی رفسنجانی، بر طرح توسعه اقتصادی و بیش از هر چیز بر خصوصی‌سازی متمرکز بود. نابرابری اقتصادی-اجتماعی در کشور رشد کرد و دامنه آن به دانشگاه کشید. از دوره رفسنجانی بیش‌تر بخش‌های مرفه می‌توانستند به دانشگاه راه بیابند. خانواده‌ها به منظور آماده کردن فرزندان‌شان برای امتحانات ورودی فشارهای مالی فراوانی را متحمل می‌شدند. دانشگاه‌های آزاد با شهریه‌های بالا تاسیس شدند. دانشگاه‌های عمومی هم حاضر به پذیرفتن دانشجویانی شدند که می‌توانستند شهریه بالا بپردازند. شمار دانشجویانی که در نهادهای خصوصی با شهریه درس می‌خواندند به شدت بالا رفت.**

****

**حمله به دانشجویان در فروردین 1359، دانشگاه تهران**

 **اعتراض دانشجویان به سانسور و بسته‌شدن روزنامه «سلام» با برخورد خشونت‌بار نیروهای امنیتی در خوابگاه دانشجویی در 18 تیر 1378 روبرو شد که به مرگ دستکم یک نفر و مجروح شدن چندین نفر انجامید. دانشجویان دست به تظاهرات زدند اما صدها نفر زخمی و صدها تن دستگیر شدند. با توجه به سرکوب علیه دانشجویان، محمد خاتمی اعتماد دانشجویان به خود را خدشه‌دار کرد چون حمایتی را که فعالان دانشجویی انتظار داشتند از آنان نکرده بود. 18 تیر 1378، به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ جدید جنبش دانشجویی شناخته شده است.**

**در دوره محمود احمدی‌نژاد فضای دانشگاه شنگین‌تر و امنیتی‌تر شد. سیستم «ستاره‌دار کردن دانشجویان» راه افتاد که هدفش جلوگیری از فعالیت سیاسی و پیشرفت تحصیلی فعالان دانشجویی است. هم‌چنین سیاست جداسازی جنسیتی بیش از پیش اعمال شد که حتی  جداسازی مواد درسی برای زن و مرد را دربر می‌گیرد. در این دوره، اعلام شد که مرحله جدید انقلاب فرهنگی برای اسلامی کردن دانشگاه‌ها آغاز می‌شود. بیش از 30 تن از دانشجویان چپ در این دوره پس از شرکت در 16 آذر سال 1386 دستگیر و اکثرشان محکوم به حبس شدند.**

**دانشجویان در بحث‌ها و بیانیه‌های خود به مسایل مهمی چون بیکاری، استثمار و عدم امنیت شغلی تاکید کرده‌اند که در جامعه ما، بیداد می‌کند. بهداشت، درمان و مسکن بدل به کالاهایی گران‌بها شده‌اند که وسع خریدشان از توانایی ملی بسیاری از مردم خارج است.**

**حکومت اسلامی ایران، پس از چهار دهه حاکمیت، هنوز هم بر تبعیض‌های بنیادین جامعه هم‌چون تبعیض طبقاتی و جنسیتی در دانشگاه اصرار می‌ورزد. بومی‌گزینی، گزینش جنسیتی، هدایت تحصیلی و پولی‌سازی آموزش عمومی، باید برای تمام آحاد جامعه به رایگان در دسترس باشد، در کنار پدیده‌هایی نظیر گسترش مدارس غیرانتفاعی، موسسات آموزشی، کلاس‌های خصوصی و ده‌ها کالای آموزشی دیگر که به شکل‌های نابرابر رقابت تحصیلی دامن می‌زنند، پایه‌های تبعیض را در دانشگاه استوارتر کرده‌اند. عوارض و عواقب روند کالایی‌سازی آموزش سبب شده است که نه‌تنها فرزندان طبقات فرودست حین تحصیل در دانشگاه توان فشار هزینه‌های سنگین آموزشی را ندارند و به هیمن دلیل اغلب ترک تحصیل می‌کنند و یا از ورود به دانشگاه محروم می‌شوند. در این میان، آن که از ورود به دانشگاه‌های دولتی باز می‌ماند مجبور می‌شود تا هزینه‌های سرسام‌آوری را برای دوره‌های شبانه و دانشگاه‌های آزاد یا غیرانتفاعی بپردازد، تا با وجود آموزشی کم کیفیت، به امید یافتن شغلی برای تامین هزینه‌های زندگی مدرکی به‌دست آورده باشد.**

****

**اعتراض دانشجویان دانشگاه‌های شریف و امیرکبیر به شهریه دانشگاهی، 25 سپتامبر 2016**

**صدای اعتراض تاکنونی دانشجویان که چیزی جز آزادی و برابری و عدالت و انسانیت نمی‌خواهد بسیار غارت‌گران و ستم‌گران و استثمار‌کنندگان آن‌چنان گران آمده است که کمیته‌های انضباطی و حراست دانشگاه‌ها و دوشادوش آنان نهادهای امنیتی بیرون از دانشگاه، برای خاموش‌کردن صدای مستقل دانشجویان با تمام قدرت اقدام کرده‌اند. تهدیدهای مکرر دانشجویان معترض و خانواده‌هاشان، احضارهای گاه‌به‌گاه، پرونده‌سازی، صدور احکام انضباطی و ده‌ها حربه امنیتی دیگر، چکمه فشارهایی عدیده‌ای هستند که بر دانشجویان وارد کرده‌اند.**

**برای مثال، آرش صادقی، دانشجوی فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی، به دلیل فعالیت‌های دانشجویی و مدنی بیش از شش سال است که از حق تحصیل محروم و محکوم به تحمل 19 سال حبس است.**

**سپاه پاسداران با تشکیل پرونده ای در سال 93، آرش صادقی را به «اجتماع و تبانی علیه نظام»، «توهین به بنیان‌گذار جمهوری اسلامی»، «تبلیغ علیه نظام» و «تشکیل گروه غیرقانونی» متهم کرد و مانع از بازگشت وی به دانشگاه شد.**

**آرش صادقی، فعال سیاسی، به همراه همسرش، گلرخ ایرایی، در تاریخ 15 شهریور 1393، توسط قرارگاه ثارالله اطلاعات سپاه بازداشت و یکم دی‌ماه سال 1394 در شعبه 15 دادگاه انقلاب به ترتیب به پانزده سال حبس و شش سال حبس محکوم شدند.**

**پیش‌ازاین در 14 آذر 1388، این فعال دانشجویی در نزدیکی دانشگاه علامه در تهران دستگیر شد و به اتهامات «اجتماع و تبانی علیه نظام و تبلیغ علیه نظام» از سوی شعبه 26 دادگاه انقلاب جمعا به 6 سال زندان و 74 ضربه شلاق محکوم شد؛ این حکم در دادگاه تجدیدنظر به 1 سال حبس تعزیری و 4 سال حبس تعلیقی تبدیل شد.**

**گفتنی است، در سال 1389، در جریان مراجعه ماموران امنیتی به خانه مادر آرش صادقی برای بازداشت پسرش که در مرخصی از زندان به سر می‌برد، مامورین با واردکردن ضربه‌ای به سر مادر وی باعث خونریزی مغزی شدند؛ مادر این فعال دانشجویی پس از چند روز بستری بودن در بیمارستان درگذشت. پزشک بیمارستان علت مرگ را ایست قلبی تشخص می‌دهد اما چهار ماه پس از مرگ، پزشک قانونی علت مرگ را «اصابت سر به شیئی سخت» اعلام کرد که باعث خونریزی داخلی و بعد ایست قلبی شده بود.**

**این زندانی سیاسی در آبان 1395، در اعتراض به بازداشت همسرش، گلرخ ایرایی، و نقض مکرر قانون در پرونده وی دست به اعتصاب غذا زد؛ اعتصابی که برای مدت 72 روز ادامه یافت و واکنش‌های بین‌المللی متعددی را به همراه داشت.**

**محمود صادقی، نماینده مجلس، اعلام کرده است که دکتر غلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری تایید کردند که بیش از صد دانشجوی ستاره‌دار در سال تحصیلی جدید وجود دارد، اما به گمان نگارنده این آمار غیرواقعی بوده و تنها دربردارنده آن کسانی است که رسما و آشکارا ستاره‌دار شده‌اند.**

**یا سیاست اخراج غیرانسانی دانشجویان بهایی از دانشگاه‌ها، هم‌چنان ادامه دارد.**

**طبق آخرین آمارها، 219 شهروند بهایی، پس از کنکور سال 1395، با گزینه‌ نقص پرونده از ورود به دانشگاه محروم شدند. هم‌چنین 40 نفر در همین سال پس از ورود به دانشگاه در ترم‎های مختلف به دلیل اعتقاد به دیانت بهایی اخراج شده‎اند. از جمله این دانشجویان نیما ایقانیان است که با رتبه‌ 155 کنکور سراسری، در روزهای آغازین ترم اول دانشگاه اخراج شد. هم‌چنین مائده سادات حسینی‎راد از رشته‌ آمار دانشگاه صنعتی اصفهان و درنا اسماعیلی از رشته‌ گرافیک در ترم هفت مقطع کارشناسی از دانشگاه غیرانتفاعی ارم شیراز، و فریناز مختاری از دانشگاه دخترانه‌ فنی و حرفه‌ای بیرجند اخراج شدند. ثنا هوربخت و جهانگیر هدایتی دو نفر از دانشجویان اخراج‎شده‌ دانشگاه آزاد رودهن هستند که هر دو از دانشجویان نمونه‌ دانشگاه بودند. چند هفته قبل از اخراج جهانگیر، از او در مراسمی به‌عنوان دانشجوی منتخب علمی در دانشگاه تقدیر شده بود و لوح تقدیری از طرف ریاست دانشگاه به وی داده شده بود، پس اخراجش به هیچ وجه به دلایل درسی نبود.‌(موج جدید اخراج دانشجویان بهایی از دانشگاه‌ها: محرومیت از تحصیل به دلیل اعتقادات مذهبی، کمپین بین‌المللی حقوق بشر، 4 بهمن ماه 1395)**

**در فرم ثبت نام، پرسشی از دین متقاضی نشده و فقط گزینه‌ی امتحان معارف دینی وجود دارد که بهاییان معارف اسلامی را انتخاب می‌کنند. هنگام ثبت نام در اکثر مدارس، دین دانش آموز مورد پرسش قرار می‌گیرد، یا طبق آمارهای مختلف که هر از چندگاه در ایران گرفته می‌شود، اسامی بهاییان را مشخص می‌کنند. به‌نظر می‌آید داوطلبان بهایی از همان لحظه‌ی ثبت نام در سایت، شناسایی و مجاز نبودنشان جهت انتخاب رشته برای سازمان سنجش محرز است. مراحل بعد از ثبت نام مثل آزمون‌های آزمایشی، آزمون اصلی و اعلام نتایج و رتبه، فرمالیته و فقط برای فرد بهایی باعث صرف وقت و هزینه‌ی بسیار است؛ از طرف دیگر، جنبه‌ی تبلیغاتی دارد که به دنیا نشان دهد بهاییان هم در ایران، مثل سایرین در کنکور دانشگاه‌ها شرکت می‌کنند.‌(ثابتی، کیان، «محرومیت 129 شهروند بهایی از تحصیلات دانشگاهی»، ایران وایر، 13 مهرماه 1395)**

**مونا هوشمند، شهروند بهایی ساکن شیراز، دانشجوی ورودی سال 1395 پس از حدود یک ماه تحصیل در رشته‌ مهندسی معماری دانشگاه هنر و معماری بجنورد به دلیل اعتقادات مذهبی در 28 مهر ماه همان سال از دانشگاه مذکور اخراج و از ادامه‌ی تحصیل بازماند. به گفته‌ این دانشجوی بهایی، به او پیشنهاد شده بود که فرم خاصی را امضاء کند تا ادامه تحصیلش مقدور باشد. در قسمت بالای فرم نوشته شده بود اینجانب... دیگر عضو جامعه‌ی بهایی نیستم و با افراد بهایی ارتباط ندارم و ... . به او گفته بودند که اگر فرم را امضا کنی می‌توانی به تحصیل ادامه دهی. فرم مذکور دو قسمتی بوده و در قسمت پایین، پس از نام و نام خانوادگی، نوشته شده بود که من بهایی‌ام و تابع احکام بیت العدل هستم.**

**امضای قسمت پایین توسط مونا منجر به محرومیت از تحصیلش شد. او در مصاحبه‌ای با خبرنگار ایران وایر گفته بود که سعی کرد مسئولین دانشگاه را قانع کند که تحصیل ربطی به دین ندارد، ولی آن‌ها نپذیرفتند و مُصر بودند تا یکی از دو قسمت را امضا کند. او هم قسمت پایین را امضا کرد. مسئولین دانشگاه به مونا گفتند هنوز دو-سه روز وقت داری و اگر تصمیمت عوض شد و خواستی به تحصیلت ادامه دهی، می‌توانی بیایی و قسمت بالا را امضا کنی، که مونا نپذیرفت و از دفتر حراست خارج شد.**

**نازنین نیکوسرشت، دانشجوی بهایی ترم اول دانشکده‌ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز پس از دو ماه و نیم تحصیل در رشته‌ی زبان و ادبیات انگلیسی، اخراج شد و از ادامه‌‌ تحصیل بازماند. نازنین نیکوسرشت یکی از 129 شهروند بهایی است که شهریور ماه سال 1395 با گزینه‌ نقص پرونده هنگام ثبت نام مواجه شد... .**

**بر اساس بند سوم مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شده در اسفند ماه  1369 که به تایید علی خامنه‌ای رسیده، آمده است: «در دانشگاه‌ها چه در ورود و چه در حین تحصیل چنان‌چه احراز شد بهایی اند از دانشگاه محروم شوند.» ممانعت از تحصیل پس از کنکور و یا اخراج پس از ورود به دانشگاه که از سوی حراست دانشگاه‌ها و سازمان سنجش اتفاق می‌افتد به پشتوانه این مصوبه که به امضای «رهبری» رسیده است اتفاق می‌افتد.**

**حسن روحانی، رییس‌جمهوری ایران، روز 11 آذر در سخنرانی خود در دانشگاه سیستان و بلوچستان اعلام کرده بود که «دانشجو و دانشگاه امروز با صدای رسا و بدون لکنت زبان سخن می‌گوید.»**

**با این حال تشکل‌های دانشجویی اعلام می‌کنند که مواردی چون «فضای امنیتی» در دانشگاه‌ها، برخورد با فعالان دانشجویی و محروم کردن آنان از تحصیل همچنان ادامه دارد.**

**از جمله در سال‌های گذشته، 92 تشکل دانشجویی، 813 فعال نشریات دانشجویی و هشت هزار فعال دانشجویی در نامه‌های جداگانه‌های به وجود «جو ارعاب و تهدید» و فضای «امنیتی» در دانشگاه‌ها، به لغو برنامه‌های تشکل‌های دانشجویی و «دخالت‌های غیرقانونی و فراقانونی» در برگزاری آن‌ها اعتراض کرده‌اند.**

**خامنه‌ای، مدعی است: «بسیاری از مباحث علوم انسانی، مبتنی بر فلسفه‌هائی هستند که مبنایش مادی گری است، مبنایش حیوان انگاشتن انسان است، عدم مسئولیت انسان در قبال خداوند متعال است، نداشتن نگاه معنوی به انسان و جهان است. خوب، این علوم انسانی را ترجمه کنیم، آن‌چه را که غربی‌ها گفتند و نوشتند، عینا ما همان را بیاوریم به جوان خودمان تعلیم بدهیم، در واقع شکاکیت و تردید و بی‌اعتقادی به مبانی الهی و اسلامی و ارزش‌های خودمان را در قالب‌های درسی به جوان‌ها منتقل کنیم؛ این چیز خیلی مطلوبی نیست.»‌(دیدار با جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، 8/06/1388)**

**او با ابراز ناراحتی از تعارض علوم انسانی در دانشگاه‌ها با آموزه‌های دینی و قرآنی، گفته است: «من دربارة علوم انسانی گلایه‌ای از مجموعه‌های دانشگاهی کردم - بارها، این اواخر هم همین جور - ما علوم انسانی مان بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است. علوم انسانی غرب مبتنی بر جهان بینی دیگری است؛ مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالبا مبتنی بر نگاه مادی است. خوب، این نگاه، نگاه غلطی است؛ این مبنا، مبنای غلطی است.»‌(دیدار با بانوان قرآن پژوه کشور، 28/07/1388)**

**او توصیه می‌کند، انجام پژوهش‌های قرآنی در زمینه علوم انسانی و پایه‌گذاری این علوم بر مبانی قرآنی است. از آن‌جا که قرآن کتاب هدایت انسان است، او را از جهات مختلف مورد توجه قرار داده است. بنابراین توجه به آموزه‌های قرآنی و ابتناء نظریه‌های مربوط به علوم انسانی بر قرآن نه تنها ممکن، بلکه بسیار ضروری می‌باشد: «این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه‌ای، بدون این‌که هیچ‌گونه فکر تحقیقی اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیدا کند، می‌آوریم تو دانشگاه‌های خودمان و در بخش‌های مختلف این‌ها را تعلیم می‌دهیم؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخش‌های مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقائق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو کرد و پیدا کرد. این یک کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم مختلف انسانی می‌توانند بر این پایه و اساس بناهای رفیعی را بنا کنند. البته آن وقت می‌توانند از پیشرفت‌های دیگران، غربی‌ها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده هم بکنند، لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد.»‌(دیدار با جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور، 28/07/1388)**

**او در دیدارهای خود با اعضای «شورای عالی انقلاب فرهنگی»، هموار می‌گوید: «با این همه تاکیدی که بر علوم انسانی شده، تقریبا علوم انسانی هم به همان شکل علوم پایه اداره می‌شود و باز هم‌چنان همان اشکال به قوت خودش باقی است. ما آغوش مان را باز کرده‌ایم و حرف‌هایی که الان در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخ و حتی فلسفه و ادبیات مطرح است، از خارج برای ما دیکته می‌شود!»‌(دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، 13/10/1384)**

**او در عین حال اقرار می‌کند که هنوز تفکر اسلامی در این رشته‌ها تاثیری نداشته چنین سفسطه می‌کند: «اساتیدی هستند که فرآورده‌های اندیشه‌های غربی در علوم انسانی، بت آن‌هاست. در مقابل خدا می‌گویند سجده نکنید؛ اما در مقابل بت‌ها به راحتی سجده می‌کنند؛ دانشجوی جوان را دست او بدهی، بافت و ساخت فکری او را همان طوری که متناسب با آن بت خود او است، می‌سازد؛ این ارزشی ندارد و درست نیست. بنده به این طور افراد، هیچ اعتقادی ندارم. این استاد هر چه هم دانشمند باشد، وجودش نافع نیست، مضر است.»‌(دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق،29/10/1384)**

**او در جایی از خود بی خود می شود و می‌گوید: «ما در بخشی از رشته‌های علوم انسانی، قرن‌ها جلوتر از دنیا هستیم. خیلی جلوتر از کسانی هستیم که امروز در این رشته در دنیا سرآمد به حساب می‌آیند. چرا این‌ها را دنبال نکنیم؟...»‌((دیدار با نخبگان جوان، 12/06/1386)**

**می‌بینیم که چه افکار معیوب و جاهلانه‌ و متجاوزی، از خامنه‌ای بالاترین مقام حکومت اسلامی گرفته تا پایین‌ترین رده‌های بر جامعه ما حکمرانی می‌کنند. افکاری خرافی و در عین حال قلدرمنشانه و زورگو و چاقوکش و...!**

**در حالی که تجربه و تاریخ تاکنونی نشان داده است صدای حق‌طلبی، عدالت‌خواهی و آزادی‌خواهی بخش آگاه جامعه، به‌ویژه دانشجویان با هیچ سرکوبی خاموش‌کردنی نیست.**



**بدین ترتیب، طنین اعتراض و مطالبه هزاران دانشجو در دانشگاه‌های سراسر کشور برای ابتدایی‌ترین حقوق‌شان به گوش همگان رسیده است. سنوات تحصیلی، هزینه‌های روزافزون خوابگاه و تغذیه، شهریه‌های گزاف، واگذاری فضاها و امکانات دانشگاهی به نهادها و سازمان‌هایی بیرون از دانشگاه، واداشتن دانشجویان به کار اجباری و سوءاستفاده‌های علمی از آنان، و در این فضا و موقعیت، فشارهای امنیتی و حراستی، همگی دست‌ به دست هم داده‌اند تا صبر جنبش دانشجویی را لبریز کنند. به همین دلایل، اکنون وقت آن رسیده است تا همگان بدانند ریشه این دردها در کجاست؟ بی‌تردید وقت آن است تا همگان بدانند همه جناح‌ها سیاسی وابسته به حاکمیت، در تحمیل این همه بی‌حقوقی دخیل و مسئول هستند نابراین وقت آن رسید هاست که جنبش‌ها اجتماعی دست به دست هم دهند تا با سازمان‌دهی یک جنبش سراسر اعتراضی، نه تنها مطالبات خود را بر حاکمیت تحمیل کنند، بلکه افکار عمومی جامعه را برای دست زدن به تحولات سرنوشت‌ساز انقلابی و برپایی یک جامعه آزاد و برابر و عادلانه و انسانی آماده کنند!**

**بیست و پنجم آذر 1396 - شانزدهم دسامبر 2017**

**ضمیمه: \*متن بیانیه ۳۲ تشل شورای صنفی: به استقبال شانزده آذر، روزدانشجو برویم!**

**شانزدهم آذر - روز دانشجو- نماد مبارزه‌ی دانشجویان پیشرو در راه عدالت و آزادی است. برای سال‌ها، این روز در قالب ِ برنامه‌های کم‌مایه‌ی چند تشکل سیاسیِ رسمی برای ایجاد شور و هیجانِ زودگذر و بیان شعارهای جناح‌های سیاسی مسخ شده بود. اما اکنون سه سال است که دانشجویان مستقل و فعالان صنفی عزم کرده‌اند تا معنا و تصویری دیگر به این روز بدهند. پیام آن‌ها یک چیز بوده است: «دست زورمندان اقتصادی و سیاسی باید از دانشگاه کوتاه شود» چنان‌که از دیگر قلمروهای حیات انسانی. این فریاد نه از شور و احساسی زودگذر، بلکه از درد و دغدغه‌های هرروزه‌ی دانشجویان برآمده، و علاوه بر آن، متکی بر تحلیلی مشخص از شرایط جامعه و دانشگاه بوده است.**

**در سه دهه‌ی گذشته، تهاجمی هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده، ساحت‌های گوناگون جامعه‌ی ایران را زیر ضربه‌های مُهلِک خود گرفته است. در اثر بحران‌های ناشی از اقتصاد دوران جنگ ازیک‌سو، و فشارهای بین‌المللی برای «آزادسازی» اقتصاد از سویی‌ دیگر، دولت‌های پس از جنگ یکی پس از دیگری، با عزمی راسخ، سیاست‌های موسوم به «تعدیل ساختاری» را پیش بُرده‌اند و، بی توجه به پیامدهای اجتماعیِ فاجعه‌بارِ این سیاست‌ها در ایران و سایر کشورهای جهان، کوشیده‌اند هرگونه مقاومتی را در برابر این سیاست‌ها از میان بردارند. این تهاجمِ همه‌جانبه عمدتاً با سه اهرم صورت گرفته است: واگذاریِ بنگاه‌های اقتصادی به بخش خصوصی، خصوصی‌سازی و گران‌سازیِ خدمات اجتماعی، و تشدیدِ سازوکارهای کنترلی بر مبنای انواع و اقسام تبعیض‌های اجتماعی و نظارت‌های امنیتی. تهاجمی که در دولت‌های گوناگون با همراهی مجلس و نهادهای مربوطه هدایت می‌شد، در دولت کنونی، علاوه بر تثبیت فاجعه‌ی دولت‌های قبل، به طرز چشم‌گیری شدت یافته است.**

**در زمینه‌ی مسائل کارگری، دولت‌های پس از جنگ عزمی جدّی داشته‌اند که با استفاده از فضای ناشی از سرکوب تشکل‌های مستقل کارگری در سال‌های قبل، هر قدر می‌توانند نیروی کار را بی‌ثبات‌تر، ارزان‌تر و مُطیع‌تر کنند. خارج‌کردن کارگاه‌های زیر ده نفر از شمول قانون کار در دولت «اصلاحات»، لوایح اصلاح قانون کار در دولت‌های «مهرورزی» و «اعتدال»، و همین اواخر طرح «کارورزی دانش‌آموختگان دانشگاهی» تنها نمونه‌های معدودی از تلاش یکپارچه‌ی دولت‌ها در این زمینه‌اند.**

**در حوزه‌ی بهداشت و سلامت، روند آزادسازیِ قیمت خدمات درمانی با سرعت پیش رفته است. حتی طرح بیمه‌ی سلامت – که خود پوششی بر آزادسازیِ قیمت‌ها و بستری برای بهره‌کشیِ بیش‌تر از پرستاران بود – عملاً کنار گذاشته شده است.**

**در عرصه‌ی آموزش عمومی شاهد افزایش چشمگیر مدارس غیرانتفاعی و کالایی‌سازی و کنکوری‌سازی آموزش بوده‌ایم. عدم‌پرداخت دستمزد واقعیِ معلمان، جذب نیروهای حق‌التدریسیِ بی‌ثبات با دستمزدهای بسیار کم و حبس فعالان صنفی معلمان از دیگر حمله‌ها به عرصه‌ی آموزش عمومی و معلمان بوده است.**

**در زمینه‌ی مسکن، چشمگیرترین تلاش دولت‌ها برای تأمین مسکن اجتماعی‌(«مسکن مهر») عمدتاً به محملی برای سودآوری وابستگان سیاسی و اقتصادی بدل شد، و دولت کنونی نیز نه‌تنها هیچ وظیفه‌ی اجتماعی‌ای را - از جمله ساخت مسکن برای مردم - بر عهده‌ی خود نمی‌داند، بلکه با طرح پیشنهاد فروش مسکن در بازار بورس، قصد دارد تیر خلاص را بر ایده‌ی مسکن اجتماعی شلیک کند.**

**فرایندهای بالا، مشخصاً در حوزه‌ی آموزش عالی نیز اجرا شده است. در دهه‌های اخیر، دولت‌ها هر چه بیش‌تر از حمایت‌های اقتصادیِ خود از دانشگاه‌ها کاسته‌اند. در برنامه‌ی پنجم توسعه - دست‌پُختِ دولت «مهرورزی» - وظیفه‌ی احداث و تأمین خوابگاه برای دانشجویان از دوش دولت برداشته شده است. وضعیت اسفباری که امروز در خوابگاه‌ها شاهد هستیم، نتیجه‌ی این سیاست‌هاست که امروز هم در قالب طرح‌هایی چون طبقه‌بندی کیفیِ خوابگاه، با شدت بیش‌تری ادامه دارد. همین مسئله درباره‌ی دیگر خدمات رفاهی - از جمله تغذیه و حمل‌ونقل - نیز صدق می‌کند. ساخت فودکورت‌ها و رستوران‌های خصوصی در برخی دانشگاه‌ها، پیوندی مستقیم با کاهش کیفیت تغذیه‌ی عمومیِ دانشجویان دارد. از سوی دیگر، در کنار پولی‌سازی و گران‌سازی خدمات رفاهی، برخورداری از پُشتیبانی مالی نیز برای دانشجویان دشوار و دشوارتر شده است. در شش سال اخیر، در این زمینه سنگ تمام گذاشته‌اند: با دانشجویانی که از تسهیلات و وام استفاده کرده‌اند، همچون بدهکار بانکی برخورد می‌شود.**

**اجرای موفقیت‌آمیز این سیاست‌ها نیازمند اهرم‌های امنیتی و انضباطی نیرومند است. احضار و تهدید کنشگران صنفی از سوی نهادهای امنیتیِ خارج از دانشگاه و تشدید تبعیض‌های جنسیتی، چه در گزینش دانشگاه‌ها و چه در مقررات ناعادلانه‌ی خوابگاه‌های دختران، از جمله‌ی این اهرم‌های انضباطی است.**

**این سیاست‌ها مشخصاً یک هدف دارند: تبدیل دانشجویان به نیروی کار ارزان یا حتی رایگان. طرح «کارورزی دانش‌آموختگان دانشگاهی» نشان از همین هدف دارد. بر بستر این آموزش عالیِ خصوصی‌شده و گران است که دانشجویان ترجیح می‌دهند به جای تحصیل در دانشگاه و ماندن در محیط عمومیِ آن، جذب بازار کاری بی‌ثبات و ناامن شوند. با روندی که از برنامه‌های توسعه و برنامه‌های بودجه‌ی سالیانه - به ویژه برنامه بودجه 96 شاهد هستیم - دانشگاه‌ها بیش از پیش به بنگاه تأمین اُپراتور و نیروی کار ارزان برای صنایع، و فروش پژوهش‌های آکادمیک به ثروتمندان خواهد شد و هر آنچه پیش‌ازاین نام علم انتقادی را با خود یدک می کشید، از میان می‌رود.
شوراهای صنفی سراسر کشور، در تمام سال‌های تهاجم عِنان‌گُسیخته‌ی سرمایه و قدرت به دانشگاه‌ها، نماینده‌ی راستین دانشجویان ایران بوده و هستند. این شوراها، این‌بار به بهانه‌ی شانزدهم آذر 1396، در همبستگی با دیگر کنشگران اجتماعی -که کوشیده‌اند سدّی در راه این تهاجم باشند- مطالبات صنفی و اجتماعیِ دانشجویان را اعلام و بر این باور خود تأکید می‌کنند که راه تحقق خواسته‌ها، قدرت جمعیِ دانشجویان و اراده‌ی مستقل آنان است:**

**1(لغو بی‌چون‌وچرای طرح استثماری «کارورزی دانش‌آموختگان دانشگا»**

**2(افزایش ظرفیت‌های دوره‌ی روزانه، توقف گسترش ظرفیت‌های پولی و انحلال پردیس‌های بین‌الملل**

**3)توقف واگذاریِ فضاهای دانشگاهی به کسب‌وکارهای خصوصی، و بازگرداندن آن به تشکل‌ها و کانون‌های دانشجویی**

**4)پوشش کامل خدمات و یارانه‌ی دولتی در زمینه‌ی تغذیه، اسکان و حمل‌ونقل دانشجویان**

**5)الغای قانون سنوات و حذف قانون تخصیص بودجه دانشجویان بر اساس سنوات**

**6)حذف تهدیدها و برخوردهای امنیتی در پاسخ به اعتراضات و مطالبات دانشجویی**

**7)اعطای مجوز به ایجاد تشکل‌های دانشجوییِ دگراندیش و مستقل از جناح‌های قدرت**

**8)بازگشت کامل دانشجویان ستاره‌دار و محروم از تحصیل به دانشگاه‌ها**

**9)الغای تبعیض‌های جنسیتی و جغرافیایی در گزینش دانشجویان**

**10)تضمین حق تحصیل برابر برای همه‌ی قومیت‌ها و پیروان همه‌ی مذاهب و آیین‌ها 11(تصحیح آیین‌نامه‌های تشکل‌ها و مشخصاً شوراهای صنفی و حذف مواردی که در سال‌های اخیر به آیین‌نامه اضافه و مانع از تأسیس یا احیای بسیاری از شوراهای صنفی شده‌اند**

**12(اعطای مجوز برای تشکیل «اتحادیه‌ی شوراهای صنفی کشوری» در جهت افزایش توان مداخله‌گری شوراهای صنفی و هماهنگی بیش‌تر آن‌ها در طرح مسائل صنفیِ دانشجویان.**

**آذر 1396 شوراهای صنفی دانشگاه های شهید مدنی، سیستان بلوچستان، صنعتی ارومیه، تهران، نوشیروانی بابل، سمنان، نیشابور، علم و صنعت، بناب، خوارزمی، فرهنگیان همدان، علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، تربیت دبیر رجایی تهران، صنعتی بیرجند، مالک اشتر، بین‌الملل قزوین، صنعتی اراک، صنعت نفت آبادان، ملایر، زنجان، صنعتی شیراز، رازی کرمانشاه، صنعتی کرمانشاه، تبریز، تربیت مدرس، شریف، قم، فردوسی مشهد، هنر تبریز، امیر کبیر، شیراز و فعالین صنفی دانشگاه های علامه طباطبایی، بهشتی و صنعت نفت اهواز تا کنون امضا کرده‌اند.**

**16 آذر 1396**

**آیت‌الله خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی، گاه بی‌گاه به اسلامی کردن دانشگاه‌ها تاکید می‌ورزد. او عصر روز 17 خرداد 1396، در دیداری با دانشجویان بسیجی در سخنانی، دانشجویان را در صفوف مقدم مبارزه مستمر نظام اسلامی با نظام سلطه خواند و درباره اسلامی کردن دانشگاه‌ها، گفت: «متاسفانه در آن سال‌ها در میان مجموعه‌های دانشجویی مسلمان اختلالاتی به‌وجود آمد و برخی از دانشجویانی که دانشگاه و لانه جاسوسی را فتح کرده بودند، به علت ضعف تحلیل و محتوا و هم‌چنین تندروی‌های ناشی از هیجانات، از درون مغلوب شدند و ضربه خوردند.» او با انتقاد از اظهارات و اقدامات برخی افراد در داخل در راستای تلاش بدخواهان در «انقلاب‌زدایی» از دانشگاه‌ها، گفت: «متاسفانه برخی‌ها به تضعیف روحیه حزب اللهی در دانشگاه‌ها کمک می‌کنند.»**

**او تاکید کرد: «باید خود را در صفوف مقدم مبارزه ادامه‌دارِ نظام اسلامی با نظام سلطه قرار دهید و ضمن رصد دقیق صحنه درگیری و مبارزه، در قبال آن، احساس مسئولیت انسانی، ملی، اسلامی و بین‌المللی داشته باشید.»**